

هرگز سالن تئاتر را رها نخواهم کرد

این فیلم بازی تکرده، او در واقع نقش رامستندتمایی و باورپذیر کرده است. او در مهمان مامان نیز، مثل نقش‌هایی که در زرد قناری، روسری آبی، فصل پنجم، بلوی از دیببخت، زیر پوست شهر داشته، نقش زن محنت کشیده‌ی باغز نفس را ایفا کرده و البته ظریفی نیز به آن افزوده است. طوبی و عفت دو نقش متفاوت هستند که آدینه، بخوبی آن‌ها را از هم تفکیک کرده است. طوبی زنی است که از کان خانواده‌اش بر قدرت او استوار است، ولی عفت خانم در مهمان مامان متکی بر شوهرش است و مثل بسیاری از زن‌های سنتی زندگی می‌کند. او بر خلاف طوبا، نان‌آور دارد.

گلاب آدینه به عهدی که با پدرش بست، وفادار مانده است. او گزیده کار می‌کند و تنها در نمایش و فیلم‌هایی حضور پیدا می‌کند که ارزشمند باشند. او در سینما به دور از هر حاشیه‌ای، اصیل ماند و در طول این سال‌ها تنها مسیر هنر برای هنر را دنبال کرد. او با مخاطبان در فضای مجازی ارتباط خوب، موثر و گرمی دارد. اکثر مطالب وی از سوی مخاطبان پسندیده می‌شوند. او دلسوز و جگرسوز هنر نمایش است و در کارنامه هنری‌اش علاوه بر نقش‌های ماندگار، به بازیگر دانی (هدایت بازیگران) در پشت صحنه پرداخته، تا به دفتر سینمای ایران، صفحات ارزشمند بیشتری اضافه کند. او دوازده سال از عمر هنری‌اش را در مدارس و موسسات به آموزش بازیگری به گروه‌های سنتی مختلف با جدیدترین متدهای بازیگری در دنیا اختصاص داد و چندین اجرای موفق ماحصل سال‌ها تلاش دلسوزانه او در تدریس بوده است.

زندگی پر مسارت و تجربه‌اش از درک و لمس زنان زحمت کشیده او را کمک کرد تا بتواند جنبه‌های متفاوتی از زنان زجر کشیده را روی پرده سینما به نمایش بگذارد. او درباره خلق این نقش‌های ماندگار می‌گوید: یک بازیگر در سینما به تنهایی قادر نیست نقش ماندگاری خلق کند، مجموعه عواملی که یک فیلم را تولید می‌کند باعث ماندگاری یک نقش می‌شوند. گلاب آدینه در سن ۶۹ سالگی چون صنوبری کهن با ریشه در تاریخ هنر نمایش ایران، با وجود نا آرامی‌های اخیر، کارگردانی نمایش پرده خانه، به قلم بهرام بیضایی راه عهده گرفته است که از ۱۵ آبان در سالن شهر زاد به نمایش در می‌آید، او درباره تصمیم خود برای اجرای این نمایش به رسانه‌ها گفت: گرچه از وقایع این روزها، چشمم گریان است، اما اگر شرایط هزار برابر بدتر از وضع موجود هم باشد، تا توان دارم هرگز سالن تئاتر را رها نخواهم کرد. از سال‌های دور تا به امروز، تعطیلی تئاتر و موسیقی خولسته قلبی دشمنان هنر بوده است؛ فرصت این شادی از سوی من برای ایشان محقق نخواهد شد.



سمیه نجفی خاتونی - نام مستعار آدینه را از دوست قدیمی‌اش سوسن تسلیمی به یادگار دارد. در همان روزهای ابتدایی ورودش به گروه تئاتر پیاده، وقتی پدرش استفاده از شهرت مستعان را در این پیشه برایش ممنوع کرد، آدینه را تسلیمی به او پیشنهاد داد و او سال‌های بعد زندگی‌اش را با این نام سپری کرد. از بلوایی در بارگاه قصر سلطان تا عفتی که سفره شام مهمانیش را با سیلی سرخ می‌کرد، و در زیر پوست شهر، دردهای نهفته طوبا را در گوش مسئولین فریاد زد.

او گلاب آدینه است. از بازیگران اصیل ایران که هنر بازیگری را با چاشنی اصالت، اخلاق و تجربه همراه کرده. او آگاهانه مسیر خودش را از تئاتر قبل از انقلاب به پرده سینماهای امروز کشاند، کاری که گویا هیچ وقت برای او دوره استراحت و بازنشستگی نداشته است و در هر دوره قسمتی از بار هنر تئاتر و سینمای کشور را به دوش کشید و از خود خاطر‌های ماندگار بر جا گذاشت. گویا او هر چه که دارد و هر چه ندارد را از صحنه گرفته است. او در صحنه متولد و علق می‌شود.

پس از اجرای تئاتر ماهی سیاه کوچولو در حضور تماشاگران از او خواستگاری و ازدواج می‌کند. گویی دیگر همه زندگی او در تئاتر و فیلم خلاصه شده است. حالا او بانوی سرزمینی شده که گل‌ها و خارهایش در کنار هم رشد می‌کنند و قد می‌کشند. آن قدر که گلهی خودش هم درمیانه آن گم می‌شود و پیدا، او هنرمندی است که حضورش در هر جا اثری از خود بر جای می‌گذارد. او در فیلم‌های مهمان مامان، من دیگه مرادونا هستیم، وقتی همه خواب بودند، زرد قناری، بانوی از دیببخت کلدیدای بهترین بازیگر زن و در فیلم‌های روسری آبی، آجی و دوباره زندگی موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن در جشنواره‌های مختلف داخلی و بین‌المللی شد.

نقش‌های ماندگار او در خاطره سه نسل زنده است. سلطان بانوی باوقار قصر، که برای ایفای آن نقش، از قصه‌های مادرزاد رگ‌الگو می‌گیرد چرا که معتقد است، در دل این داستان‌ها، آدم‌ها معمولی و باورپذیر و قابل دسترس بودند و گویی سلطان بانوی از دل همین قصه‌ها پرورش پیدا می‌کند. گلاب آدینه، در اجراهای گروه تئاتر پیاده به فعالیت‌هایی می‌پرداخت که در آن تجسم نقش با ابزار بازیگری تشخیص می‌یافت. تشخیصی جمله شناسانه نه غریزی و روانشناسانه و نه تیپ گونه. حاصل این تدبیر و تعقل نه در دهه ۵۰ بلکه در دهه ۷۰ خودش را نشان داد. شاه نقش بازیگری او را رخشان بنی اعتماد در آستین پروراند. کاراکتر طوبی، رامی گویم که در زیر پوست شهر، در ماندگاری‌اش در زیر خط فقر عیان می‌شود و عفت، که در میهمان مامان، به آن می‌خندیم و در دل برایش گریه می‌کنیم. انصافاً آدینه در مهمان مامان بسیار خوب درخشید؛ گویی در



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مثنی کوچک خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

گلاب آدینه بانوی تئاتر ایران

چادرش را جمع می‌کند و در دوربین خیره می‌شود، چشم‌هایش را تنگ می‌کند و می‌گوید: هر وقت نلیدیم گفتید جنگه، بعدم که تموم شد گفتید خرابی زیاد به بار آمده اونفده تق نزدیک، باز ندون روی جیگر گذشتیم. حالا هم که یکی اومده که به داد ما برسه... مزارشگر حرفش را قطع می‌کند و می‌گوید: بخشید ضبطمون دچار لشکال شده می‌شه تکرار کنید؟...

نهنش دیگر باری نمی‌دهد و این بار دلش به زبان می‌آید: ول کن آقا چون خدا پدر و مادرت و بیلرزه خونه‌ام رفت، بچام آواره شد، این روزها هم که هر جامیری هر کی یه دوربین برداشته داره فرت و فرت فیلم می‌گیره... صدایش می‌لرزد و در گلویش بغضی فروخورده می‌شکند به دل خون شده‌اش اشاره می‌کند و می‌گوید: کاش یکی پیدا می‌شد از این توفیلم می‌گرفت، اصلا این فیلماروبه کی می‌خوایین نشون بدین؟!

۲۲ آبان ماه سال ۱۳۳۲ تاریخ اولین تولد گلاب مستعان در خانواده‌ای فرهنگی است. پدرش حسینقلی مستعان داستان نویسی صاحب سبک و مترجمی بنام است. تولد دوم گلاب در سال ۱۳۵۴ بود که با شنیدن نامه گلاب آدینه وارد دنیای هنر شد. او پس از سال‌ها هنر نمایشی و موفقیت در تئاتر بالاخره با نقش سلطان بانو، در سریال سلطان و شبان، که در دهه شصت از تلویزیون پخش شد، به شهرت رسید. گلاب در زندگی اولش همان چیزی بود که هر پدر ایرانی از دخترش می‌خواست، حسینقلی مستعان برای دخترش آرزوی یک زندگی آرام، به دور از جنجال‌های هنری رامی‌خواست. چرا که مصائب زندگی هنری را به فراخور شغلش چشیده بود. از این رو از همان ابتدا انتخاب در رشته تحصیلی هنر را برای او منع کرد و او در دانشگاه شهید بهشتی رشته اقتصادسیسی خواند. چیزی که حالا برای گلاب جز نقشی از لعن و تمودارها در نهنش به جانگذاشته است. لمامگر می‌شود کسی را به این پهنه‌ها از زاد گلش بیرون کرد، او فرزند، مادر و بانوی تئاتر است. چشمان رویتگر او از پس لنزها عبور می‌کند و جان مخاطب را نشئه می‌گیرد، و مخاطب را وادار می‌کند تا ببیند این مرتبه از قصه زندگی کدام‌زن ایرانی، بازگویی می‌شود؟



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir